

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۳ برابر ۱۲ نوامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۲

قطب‌نامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

۱- انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی - ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیعترین اقشار خلق، اشکال مبارزه و خواسته‌های مبتنی بر تامین عدالت اجتماعی یک انقلاب مردمی بود.
انقلاب در مرحله سیاسی متوقف ماند.
اقدامات ضد سرمایه‌داری در این انقلاب گسترش نیافت و تعرض علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ-

مالکی به الغا آن منجر نشد.
۲- انقلاب با شرکت همه اقشار و طبقات ملی و دمکراتیک به نیروی توده‌های دهه - میلیونی زحمتکشان به پیروزی رسید و نیروی طبقه کارگر در این پیروزی نقش تعیین‌کننده داشت.
بخشی از روحانیت به رهبری آیت الله خمینی گسترده‌ترین نفوذ را در میان توده‌های وسیع بقیه در صفحه ۲

رای قاطع خلق نیکاراکوئه به جبهه‌رهایی بخش ملی ساندینیست

روز یکشنبه چهارم نوامبر خلق نیکاراکوئه برای نخستین بار در تاریخ خود در یک انتخابات آزاد و دمکراتیک شرکت کرد. انتخابات برای تعیین رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس موسسان ۹۰ نفره این کشور انجام گرفت. دوره ریاست‌جمهوری در نیکاراکوئه ۶ سال تعیین شده است.

علیرغم ریزش شدید باران، ساعتها قبل از ۷ صبح، زمان گشایش حوزه‌های رای گیری، دهها هزار نفر در برابر محل‌های استقرار صندوق‌های رای صف بسته بودند. در مناطق عملیاتی گروه‌های ضد انقلابی تحت حمایت آمریکا نیز، رای گیری مانند سایر مناطق انجام گرفت.

دانیل اورنگا، هماهنگ‌کننده شورای د ولتی و نامزد جبهه‌رهایی بخش ملی بقیه در صفحه ۴



دانیل اورنگا هنگام انداختن رای خود در صندوق

☆☆☆

مصاحبه "اکثریت"

با یکی از اعضای رهبری جبهه ملی
وحدت، رمز پیروزی انقلاب نیکاراکوئه

در صفحه ۴

تصویرهای خون‌آلود

چند خاطره از زندان در صفحه ۶

پیام کمیته تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت برگزاری پلنوم کمیته مرکزی

رفقای ارجمند!

رفته است، برای ما مایه غرور و افتخار است. وحدت و انسجام رهبری سازمان ما که در پلنوم کمیته مرکزی جلوه تازه‌ای یافته است، نشانه دیگری از استحکام و یکپارچگی صفوف فدائیان خلق است. اکنون پراز گذر از آزمون‌های سترگ، در حالیکه همه تشبثات ردیلانه دشمنان نتوانسته است هیچگونه خللی در استحکام پولادین سازمان ما وارد سازد، حضور رزمجویان فدائیان خلق در سراسر کشور و در هر آن جایی که عشق به میهن و زحمتکشان وجود دارد، خاز چشم همپایالیسم و ارتجاع است.

در برابر سبانه‌ترین سرکوب‌های مرتجعین، سازمان ما یکبار دیگر نشان داد که هم چون همیشه اردوئی از قهرمانان جاننازاست. بقیه در صفحه ۲

انتشار خبر برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی و نتایج گرانقدر آن، در میان فعالین و هواداران سازمان در خارج از کشور موجی از شور و شغف برپا کرد. بی‌گمان برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی، نشانه بارز ظرفیت‌های سازمان پر افتخار ما، در برابر دشمنان کینه‌توزانه دشمنان و نتیجه رزم پرشکوهی است که فدائیان خلق در دشوارترین شرایط، در راستای اهداف طبقه کارگر و آمال همساز زحمتکشان با سرافرازی پیش‌برد ما.

ما به همه دست‌ورد‌های گرانقدری که بسا رهبری شما فراهم آمده است، می‌بالیم. درایت و خردمندی رهبری سازمان ما، در هدایت مبارزه‌ای که در شرایطی این همه دشوار پیش

فشرده‌ای از مصاحبه خبرگزاری نووستی با وادیم زاگلادین پیرومون انقلاب اکتر

در صفحه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که روز دوشنبه ۲۱ آبان ماه، محاکمه به اصطلاح علنی اعضای رهبری حزب توده ایران در زندان اوین آغاز خواهد شد.

اخبار موثقی که ما در دست داریم مینماید آنستکه آنچه ارگان‌های قضایی جمهوری اسلامی "محاکمه علنی" می‌نامند، در واقع صحنه سازی تازه‌ای بیش نیست. محاکمه توده‌های در بند در سراسر کشور، از مدت‌ها پیش پشت‌درهای بسته آغاز شده و تعدادی از اعضای حزب ما به بقیه در صفحه ۸

بازتاب جهانی سرکوب خونین کارگران کارخانه "کانادادرای"

به دنبال انتشار خبر سرکوب وحشیانه کارگران اعتصابی کارخانه "کانادادرای" تهران به دست پاسداران رژیم، در "کار" ارگان مرکزی سازمان ما و فعالیت‌های افشاگرانه فدائیان خلق در خارج از کشور، این واقعه خونین در جهان بازتاب یافت. ما پیش از این نمونه‌ای از ایستادگی کارگران جهان با کارگران اعتصابی کانادادرای را در صفحات این نشریه درج کرده بودیم. نشریات مترقی نیز با درج این خبر جنایت‌پیشگی مرتجعین حاکم بر میهن ما را منعکس کردند. از جمله این نشریات "وآرپایت" بقیه در صفحه ۳

صلح ، استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی

قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه اول

خلق بدست آورد و در راس انقلاب قرار گرفتند. فدائیان خلق ایران، حزب توده ایران و مجاهدین خلق ایران در رهبری مبارزه خلق و برانگیختن توده‌ها و تشدید مبارزه علیه رژیم شاه منفور نقش فعال ایفا کردند. نقش فدائیان خلق در گسترش قیام مسلحانه ۲۲ بهمن برجسته بود.

۳- با پیروزی انقلاب رژیم شاه به‌شابه ژاندارم امپریالیسم و نماینده کلان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم سرنگون شد. جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت نه‌تیمت آزادی و برخی از جریان‌های مشابه تشکیل گردید. بخش‌هایی دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت‌الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی ایران مشارکت کردند.

۴- در آستانه انقلاب روحانیت پیرو خمینی به لحاظ طبقاتی طیف گسترده و ناهمگونی را دربر می‌گرفت که سمتگیری آن بطور عمده منافع بورژوازی ملی، خرد بورژوازی و لایه‌های فاسی از زحمتکشان شهر و روستا را منعکس می‌کرد.

۵- روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی با خرد بورژوازی سنتی، بورژوازی تجاری بازرگان و ملاکان محکوم‌ترین پیوند‌ها را داشته است. روحانیت حاکم که خاما گرایش طبقاتی متضاد بود، در عین حال به‌شابه یک قشر اجتماعی برای تامین منافع خود، مذهبی کردن ساخت دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور تلاش می‌کرد.

یک بخش از روحانیت حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی اقتصادی علیه کلان سرمایه‌داری

و بزرگ مالکی بود. بخش دیگر مدانه می‌کوشید کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی حفظ کرد.

نقش ویژه آیت‌الله خمینی این بود که برای حفظ جمهوری اسلامی سیاست مانور میان جریان‌ها درون حکومت را دنبال می‌کرد.

۶- در اثر مبارزه طبقاتی حسادی که در سال‌های پس از انقلاب در کشور و در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جریان داشت، ترکیب و تناسب نیروها در حاکمیت دستخوش تحول گشت. پس از انقلاب نظر بد نقش تعیین‌کننده توده‌ها و قیام‌کننده در نوازن نیروها که بسوی نیروهای ضد امپریالیستی، ضد بزرگ مالکی و ضد کلان سرمایه‌داری در حاکمیت تاثیر می‌گذاشت و حضور فعال سازمان‌های ضد امپریالیست و مردمی که در گسترش جوانقلابی در جامعه نقش جدی داشتند نیروهای مدافع انقلاب در حکومت نیروی برتر محسوب می‌شدند و تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده ادامه داشت.

زیر تاثیر مجموع عوامل یاد شده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب به اقدامات مثبت و مردمی دست زد.

۷- امپریالیسم و جریان‌های وابسته به آن و نیز نیروهای ارتجاعی و راستگرای درون حکومت که برزیمه رشد و تقویت سرمایه‌های بزرگ، تجاری، مواضع خود را مستحکم می‌کردند در اواخر سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ همراه با جریانات قشری حداکثر تلاش خود را برای تشدید خصومت و تفرقه میان نیروهای ترقیخواه کشور بکار گرفتند. این توطئه در کنار توطئه امپریالیستی تحمیلی جنگ به نابودی بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای ترقیخواه کشور و تقویت نیروهای راستگرا و محافظه

کار در حکومت منجر گردید.

۸- با گسترش روند فقی همراه با گسترش مخرب سیاست ادامه جنگ در فرسودن نیروهای مدافع انقلاب، پس از دفع نیروهای متجاوز در نیمه دوم سال ۶۱ آیت‌الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه کار و مرتجع در حکومت را رسماً مورد حمایت قرار داد. به مقابله آشکار با مدافعان اصلاحات اقتصادی اجتماعی برخاست و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را به پس گرفتن سرمایه‌ها و اموال خود فراخواند و بنا عقب‌نینی و سازش آن عده از مسئولان اصلی جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع می‌کردند و سیطره ارتجاع بر کشور، تعرض هم‌جانبه به دستاورد های انقلاب گسترش یافت. سرکوب خونین و ناچهارمردانه حزب توده ایران با رزترین مظهر تخمیر سیاست و سمتگیری حکومت جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

۹- حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز یک دست نیست و جریان‌های وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک بزرگ مالکان و خرد بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری نقش و وزن عمده را دارند.

در دستگاه حکومتی پیوندها در رده‌های پائین آن هنوز نیروهای وجود دارند که خواندگان حفظ استقلال کشور و یا انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند در حال حاضر موقعیت این نیروها در حاکمیت محدود و محدودتر می‌شود. اما قادرند در راه تعرض ارتجاع حاکم مواضعی پدید آورند و تاثیرات معینی بر سیاست کشور بجا گذارند.

پیام کمیته تشکیلات

بقیه از صفحه اول

استواری عزم فدائیان که در راه آرمان‌های شریف خود جان می‌بازند و پاپس نمی‌نهند، سرمشق شکوهمندی از پایداری‌های دلیرانه، برای ما و همه پیوندگان راه سعادت مردم پدید آورده است.

آنچه که تا کنون طی شده است نشانه شایستگی سازمان ما در ایفای وظایفی است که به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران بر عهده گرفته است. ارزیابی درست و دقیق از روند انقلاب ایران و خط مشی صحیح برای مبارزه انقلابی در میهن ما، که توسط پلنوم ارائه شده است، چراغ راهنمای ما در پیمودن راهی است که به منظور دستیابی به صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در پیش گرفته ایم. فدائیان خلق در خارج از کشور، به مانند همه ارگان‌های سازمانی و همه رزمندگان فدائی، این دستاورد بزرگ را به مثابه راهنمای

رزم و عمل، گرامی می‌دارند.
سازمان ما، سازمان طراز نین طبقه

از پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران

پایان دادن به حاکمیت ارتجاع آماج عده‌های است که سمت اصلی بیکار ما را معین می‌کند.

همه نیروهای سازمان باید از راه افشا مرتجعین و خائنان به انقلاب، مردم را برای دستیابی به این آماج بسیج کنند. افشای سیاست و ماهیت مرتجعین حاکم آن حربه کارساز و نیرومندی است نه می‌تواند به حاکمیت ارتجاع بر کشور پایان دهد و راه اعمال حاکمیت دموکراتیک و ملی را بگشاید. خط مشی مصوب پلنوم چراغ راهنمای مبارزه فدائیان در همه عرصه‌ها است.

کارگر ایران، اینک نیرومند تر از همیشه در راه صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم می‌رزد. تاکیدات و تصمیمات پلنوم برای گسترش هر چه وسیعتر همکاری‌های برادرانه با حزب توده ایران، حزب طراز نین طبقه کارگر ایران به منظر حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران شمرات بی‌مانندی برای جنبش کمونیستی و کارگری ایران در راه دستیابی به هدف‌های عاجل و آماج‌های نهائی بسیار خواهد آورد.

رققای گرامی!

صمیمانه‌ترین شادباش‌های ما به مناسبت این رویداد فرخنده را بپذیرید. حول رهنمودها و وصیای پلنوم کمیته مرکزی، رزم شورانگیز ما درخشش تازه‌ای خواهد یافت.

با گرم‌ترین درودهای کمونیستی
کمیته تشکیلات خارج از کشور
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دانشجویان و وکلای هندوستان، جنایات ج.ا.و. را محکوم می کنند

ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران، در پنجمین کنفرانس ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان - ایالت کارناتاکا در روزهای پنجم، ششم و هفتم اکتبر، پنجمین کنفرانس ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هند در شهر بنگلور برگزار شد. در محل برگزاری این کنفرانس، نمایشگاه عکسی توسط هواداران سازمان در هندوستان، برپا شد که با شعارهایی همچون "جنگ را قطع کنید!"، "مردم صلح می خواهند"، "گسترده باد همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی ایران" و "پوستری-هایی در افشای سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی و جنایات این رژیم در زندانها" تزئین شده بود. این نمایشگاه مورد بازدید عدده زیادی از شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت.

نماینده هواداران سازمان در هند، طی پیامی که در کنفرانس قرائت نمود، ضمن ابراز همبستگی با دانشجویان هندی و آرزوی موفقیت در امر مبارزه برای صلح، استقلال، دموکراسی برای فدراسیون سراسری دانشجویان هند، شمه ای از خیانتهای رژیم جمهوری اسلامی را بر شمرده و وضعیت دانشجویان ایرانی را توصیف کرد.

در خاتمه کنفرانس، قطعنامه ای در محکومیت سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی و سرکوب و شکنجه و اعدام انقلابیون در هند و هم چنین سیاست دانش ستیز جمهوری اسلامی صادر گردید.

دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران در کنفرانس سراسری وکلای هندوستان کنفرانس سراسری وکلای هندوستان برای حفظ صلح و جلوگیری از وقوع جنگ هسته ای در روز، سیپتامبر در بنگلور آغاز به کار کرد. با تصویب قطعنامه و یک بیانیه به کار خود پایان داد. چندین هیات نمایندگی، متشکل از حدود ۳۰ وکیل از سراسر هندوستان در کنفرانس شرکت جستند. نماینده های نیز از جانب شورای جهانی صلح آقای ویلیام ویلسون - در این کنفرانس حضور داشت. رفقای ما با برپا کردن یک نمایشگاه در سالن محل برگزاری کنفرانس و با پخش اعلامیه های مختلف به زبان انگلیسی در میان شرکت کنندگان نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی و لگدکوب ساختن حقوق اولیه مردم به دست مرتجعین حاکم، افشاکاری وسیعی به عمل آوردند.

در این کنفرانس، آقای یوگاش که ریاست اجلاس را بر عهده داشت طی سخنانی پیرامون وضعیت حاکم بر میهن ما، همبستگی و کلاو حقوقدانان هندی با مردم ایران را ابراز داشت و تاکید کرد که "ما از حقوق دموکراتیک مردم ایران همواره دفاع کرده و خواهیم کرد."

انعکاس گزارش "کار" پیرامون اعتصاب معدنچیان بریتانیا، در نشریه ارگان حزب کمونیست بریتانیا

این امر است. کمونیست های بریتانیا این همبستگی فعال را در نشریه "کار" خود انعکاس دادند. روزنامه "مورنینگ استار" در شماره ۱۹ اکتبر خود می نویسد:

"جنش کمونیستی ایران، پشتیبانی قاطع خود را از اعتصاب بزرگ معدنچیان انگلیس اعلام کرده است.

"گزارشهای مربوط به اعتصاب در روزنامه "مخفی" کار" ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به چاپ رسیده است. کار نشریه ایست که علی رقم حملات بی دریغ رژیم جمهوری اسلامی علیه اعضای سازمان و نیز حزب توده ایران، انتشار می یابد."

در این شماره از روزنامه "مورنینگ استار" خبر فراخوان سازمان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران نیز به چاپ رسیده است.

انترناسیونالیسم پرولتری یکی از اصول اعتقادی خدشه ناپذیر کمونیست هاست. کمونیست ها حتی در حالی که در حیطه میهن خود با سخت ترین مشکلات و معضلات مواجه هستند، همبستگی خود را با طبقه کارگر بین المللی و مبارزات کارگران و زحمکشسان کشورهای دیگر از یاد نبرده و آنرا به هر شکل ممکن ابراز می کنند.

در حال حاضر مبارزه معدنچیان اعتصابی بریتانیا، یکی از تجلیات برجسته مبارزات کارگری در کشورهای سرمایه داری است. سازمان ما تلاش ورزیده است این مبارزه در میان کارگران و نیروهای انقلابی میهن ما با توجه به مقدرات موجود انعکاس شایسته خود را داشته باشد. درج اخبار این اعتصاب در "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان ما و صفحات متعددی از "اکثريت" که به گزارشها و مصاحبه های مختلفی در زمینه این رژیم دلاورانه اختصاص یافته، نمودار

بازتاب جهانی سرکوب خونین کارگران کارخانه "کانادادرای"

بقیه از صفحه اول

Streik im Teheraner Werk von Canada Dry

Iranische Sicherheitsmilizen ermordeten vier Arbeiter

Schüsse aus bundesdeutschen G3-Gewehren

DIE WAHRHEIT
15./16. September 1984

Teheran (DW/N. M.). Auf dem Betriebsgelände des Teheraner Canada-Dry-Betriebes sind vor wenigen Tagen vier streikende Arbeiter von den Sicherheitsmilizen der Islamischen Republik, den Pasdaran, erschossen und weitere 46 schwer verletzt worden. Der Streik hatte Ende Juli nach Auseinandersetzungen der Belegschaft mit der Betriebsleitung um die Lohnfrage

um die Bedingungen der Neueinstellungen begonnen. Die Beschäftigten hatten sich gerade auf dem Betriebsgelände versammelt und wollten mit dem Direktor von Canada Dry sprechen. Die Betriebsleitung hatte für etwaige Verhandlungen die Bedingung gestellt, daß Vertreter der Beschäftigten ins Verwaltungsgebäude kommen.

"وارهايت" ضمن درج گزارش جبريان حادثه، خبر خود را چنین پایان داده است: " اگرچه رژیم می کشد مطلقاً مانع پخش خبر مربوط به این حادثه گردد، اما این اعتصاب در این فاصله حتی اثر خود را در بازار شیشه نوشابه کانادادرای برجای گذاشته است."

ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی است که در شماره ۱۶ - ۱۵ سپتامبر خود تیتراژ درستی را به خبر این اعتصاب به خون کشیده اختصاص داده و نوشت: "نخست گاز اشک آور به کار رفت و سپس (پاسداران) به مسلسل هسایژ ۳ ساخت آلمان فدرال متوسل شدند."

ابراز همبستگی سازمان دانشجویی اسپارتاکوس با دانشجویان ایران

با دانشجویان ایرانی که زیر سرنیزه حاکمیت سرکوبگر ارتجاعی و دانش ستیز رژیم خود را پیش می برند، بدل شد. در پیام دانشجویان هواداران سازمان در آلمان فدرال، به اجلاس مسئولین سازمان دانشجویی اسپارتاکوس، بر مبارزه مشترک در راه اهداف انقلابی تاکید شد. در پیام سازمان هواداران، از همبستگی سازمان دانشجویی اسپارتاکوس در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم قدردانی بعمل آمد.

در روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر، در شهر دورتموند جلسه مشاوه مسئولین حوزه های دانشجویان اسپارتاکوس برگزار گردید. در این جلسه رفیق هربرت میسر، دبیر اول حزب کمونیست آلمان نیز حضور داشت. سازمانهای دانشجویی متعددی برای این اجلاس پیام فرستاده بودند. وقتی که پیام دانشجویان هواداران سازمان در آلمان فدرال قرائت شد شرکت کنندگان با کف زدنهای متعدد از آن استقبال به عمل آوردند. این اجلاس مانند دیگر گرد همایی سازمانهای مترقی دانشجویی یکبار دیگر به عرصه ابراز همبستگی

مصاحبه "اکثريت" با یکی از اعضای رهبری جبهه ملی ساندینيست وحدت، رمز پیروزی انقلاب نیکاراگوئه

در هفته گذشته در يك انتخابات عمومی مردم نیکاراگوئه يك بار ديگر اعتماد عمیق خود را به دولت انقلابی ساندینيست ابراز داشتند. نتایج انتخابات جلوه دیگری از پیوند مستحکمی است که میان توده های مردم و دولت انقلابی وجود دارد.

چندی پیش از انتخابات، خبرنگار اکثريت صاحبیای با یکی از اعضای رهبری جبهه ملی ساندینيست، رفیق ادگار هررا، وزير مسکن ناحیه ۶، انجام داد. رفیق هررا گوئه هائوسی از دستاورد های انقلاب را برای خبرنگار ما تشریح کرد، ما اکنون همزمان با اعلام نتایج انتخابات نیکاراگوئه، پاسخ های ایشان را درج می کنیم، تا تصویری از عملکرد مردمی و انقلابی دولت ساندینيست ارائه شود، همان عملکردی که پیوند شکر میان دولت و مردم نیکاراگوئه را هر چه تنیده تر کرده است.

و بر خلاف اراده آنها انجام نمی دهند.

این روش عمیقاً دموکراتیک و مردمی رهبری انقلاب و جامعه باعث شده است که تحت شرایط دشوار کنونی که از جانب ضد انقلاب در چندین جبهه به ما جنگ تجارکارانه ای تحمیل شده، توده زحمتکشان که نیروی انقلاب تنها از انسان نشات میگیرد، در صحنه مبارزه باقی بمانند و این واقعیت به خصوص برای ایالات متحده قابل فهم نیست.

برای اطلاع شما به نمونه هایی از موفقیت هایمان در عرصه های سیاسی و اقتصادی اشاره میکنم:

در سال ۱۹۷۹، یعنی وقتی سوموزا دیکتاتور جنایتکار در حال سرنگونی بود در

نیکاراگوئه ۱/۶ درصد از بودجه دولتی به صارف پزشکی و بهداشت میرسد و این تقریباً با حد متوسط در کلیه کشورهای آمریکای لاتین معادل بود. اکنون پنج سال پس از پیروزی انقلاب، در سال ۱۹۸۴، ۱۷ (درصد) از بودجه دولتی به این صارف میرسد.

هزاران تن بیرو جوان پس از گذراندن دوره های کوتاه آموزشی به عضویت تیم های واکسیناسیون و امدادگری درآمدند و یک برنامه گسترده واکسیناسیون را در سراسر کشور اجرا کردند. از جمله نتایج اجرای نظام وکمال این برنامه در نیکاراگوئه این است که در حال حاضر بیماری فلج اطفال در کشورمان ریشمکن شده است.

در سال ۱۹۷۹ از هر هزار کودک کنوزاد نیکاراگوئه ای ۱۲۰ تن تلف میشدند. اکنون این رقم به ۹۰ در ۱۰۰۰ رسیده و در آینده به طور منظم کاهش خواهد یافت.

ما در عرصه آموزش و پرورش عمومی نیز به

رای قاطع خلق نیکاراگوئه به جبهه رهایی بخش ملی ساندینيست

بقیه از صفحه اول

ساندینيست برای احراز مقام ریاست جمهوری، از نخستین افرادی بود که در حوزه رای گیری، رای خود را به صندوق انداخت. وی خطاب به روزنامه نگاران گفت: " این نخستین بار است که ما در نیکاراگوئه در انتخاباتی واقعی شرکت می کنیم. این يك لحظه واقعاً تاریخی برای ملت ما است، چرا که این نخستین انتخابات آزاد است. این نخستین انشائی است که در آن، هفت حزب شرکت می کنند. در گذشته در کشور ما تنها دو حزب وجود داشت. مسیحا اطمینان داریم مردم نیکاراگوئه وسیعاً در انتخابات شرکت خواهند کرد. " اورنگا افزود در آستانه انتخابات، بسیاری از اعضای انجمن های محلی نظارت بر انتخابات، توسط ضد انقلابیون به قتل رسیدند. هنری روتیز، عضو کمیته ملی جبهه رهایی بخش ساندینيست، گفت شرکت وسیع مردم در انتخابات، پاسخی است به فساد جوسی - های آمریکا و ارتجاع داخلی. سرجیو رامیرز، نامزد احراز مقام معاونت ریاست جمهوری اظهار داشت انتخابات گام مهمی بسوی تحکیم دموکراسی است.

مطبوعات در ماناگوا اظهار داشت مردم نیکاراگوئه با شرکت وسیع خود در انتخابات، دعوت دولت آمریکا و اقلیت پیروان در داخل کشور به تحریم آن را با شکست فاحشی مواجه ساختند. وی افزود جبهه رهایی بخش ملی ساندینيست (اف.اس.ال.ان) در آینده نیز به سیاست وحدت ملی خود ادامه خواهد داد.

دانیل اورنگا در ادامه سخنان خود، سیاست تجارکارانه آمریکا علیه کشورش را که تا کنون به مرگ ۸۰۰۰ تن از مردم نیکاراگوئه انجامیده است، شدیداً محکوم کرد.

از آخرین قربانیان سرشناس جنگ، اعلان نشده آمریکا علیه نیکاراگوئه، " انریکو شمیت کوادرا " وزیر مخابرات این کشور است که روز دوشنبه پنجم نوامبر طی نبرد مسلحانه با ضد انقلابیون جان خود را فدای دفاع از میهنش کرد. این نبرد، در نزدیکی شهر " کاموآپا " واقع در ۹۰ کیلومتری ماناگوا صورت گرفت. واحد ویژه " پابلو ویلا " به فرماندهی انریکو شمیت ماهوریت یافته بود يك دسته ۱۰۰ نفره از ضد انقلابیون را که در ۲۹ اکتبر در دهکده

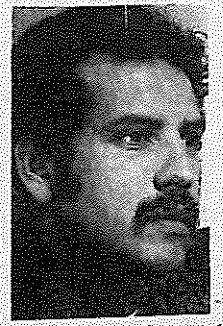
۵۰۰ تن از نمایندگان سازمانهای بین المللی و شخصیت هایی از ۲۰ کشور بر انتخابات نیکاراگوئه نظارت کردند.

۸۲/۶ درصد از واجدین شرایط، به پای صندوق های رای رفتند. از این تعداد، ۶۸ درصد آراء به جبهه رهایی بخش ملی ساندینيست اختصاص یافت. " حزب محافظه کار دموکرات " ۱۲ درصد، " حزب مستقل لیبرال " ۱۰/۶ درصد و " حزب ملی سوسیال مسیحي " ۷/۵ درصد رای بدست آوردند.

دانیل اورنگا طی يك کنفرانس

وحدت می توانستیم به شکلی موفقیت آمیز بین طبقات و اقشاری که به قیام نیروی محرکه اصلی در انقلاب سال ۱۹۷۹ شرکت کرده بودند (منظورم طبقه کارگر و دهقانان کشورمان میباشند)، پدید آوریم، این دستاورد های ستونگ را برای انقلاب ما ممکن ساخت.

در حال حاضر همه فعالیت های سیاسی و اجتماعی مترقی در نیکاراگوئه بدست خود مردم، از طریق شکل های متعدد توده ای و یا همکاری تنگ تنگ با ارگان های انقلابی و دولت انجام میگردد. ارگان های دولتی و رهبری ملی کوچکترین حرکتی را جدا از توده



انریکو شمیت که روز ۵ نوامبر به شهنا د رسید

دستاوردهای مشابهی رسیدیم. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب به قرار رهبری ملی جبهه ساندینیستی نهضت بزرگ سواد آموزی با شرکت فعال هزاران دانش آموز دانشجو و دیگرسر شهروندان هوادار انقلاب که خواندن و نوشتن، میدانستند شروع شد. این نهضت تا بحال در بطن کشمکشها و درگیریهای مسلحانه با انقلاب و دیگر مشکلات عملا موجود در سطح جامعه موفق شد، سطح بیسوادی را از ۵۹، درصد در سال ۱۹۷۹ به ۱۱ درصد در سال ۱۹۸۴ تنزل دهد. در این عرصه نیز فعالیت های خستگی ناپذیر نیروهای انقلابی ادامه خواهد یافت و نسبت ۱۱ درصد سریعاً تقلیل یافته و به صفر خواهد رسید. لازم به توضیح است که ۲۰۰۰ تن از "کادر" های ما در نهضت سواد آموزی دانشجویان، دانش آموزان و یا زحمتکشانی هستند که بطور افتخاری و در اوقات فراغت خود به کار در نهضت میپردازند.

در مورد مسئله مسکن که در حیاط کار و مسئولیت خود من قرار دارد کافی است دو سه رقم را به اطلاع رفقا برسانم: رژیم سوموزا در تمام طول حاکمیت چهل ساله خود جمعا ۲۰۰۰۰ خانه و آپارتمان ساخت. ما در همین پنج سال گذشته، با زهم تأکید میکنم یا وجود همه مشکلات و خرابکاریهایی که توسط صد انقلاب و امپریالیسم صورت میگرفت. بیش از ۱۰۰۰ مسکن برای زحمتکشان ساخته ایم و بسیار سریعتر از آنکه امپریالیسم بتواند درک کند اصولاً مشکل مسکن را برای همیشه حل خواهیم کرد.

ما هم اکنون بیش از یک میلیون هکتار زمین زراعتی را بین دهقانان و کشاورز تیرهها و تعاونی های دهقانی تقسیم کرده ایم که به شکل موفقیت آمیزی مورد بهره برداری قرار گرفته اند. ارتش خلقی نیکاراگوئه از بخشها و شعب گوناگون تشکیل گردیده و بخش های

مختلف آن عبارتند از واحد های منظم، واحد های میلیشیایی که به طور نیمه وقت در اختیار ارتش هستند و بالاخره واحد های حفاظتی که به همراه "نیروی پلیس داوطلب" وظیفه حفظ امنیت در شهرها و دهات را بر عهده دارد. ارتش خلقی نیز تنها با مشارکت وسیع و داوطلبانه مردم متعهد به انقلاب توانست بنیانگذاری و توسعه یابد.

همانطوریکه گفتیم نقش توده مردم انقلابی بدین علت برجسته بود که رهبری انقلاب به رای آنها احترام میگذاشت و در ارتباطات تنگ با شکل های توده ای کار میکرد.

رهبری انقلاب همواره سعی بر این داشته که مسائل و منافع گروهی را تحت الشعاع منافع عمومی انقلاب و خواست های طبقه کارگر و دهقانان قرار دهد و با هر نوع سنناریسم شدیدا مبارزه کند. ما معتقدیم که در عرصه بین المللی نیز نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی صرف نظر از اختلافاتی که میتوانند بر سر این یا آن مسئله خاص داشته باشند، باید در سطح عام و بین المللی همگی دست بردارند و جبهه ای علیه ارتجاع جهانی تشکیل دهند و متحدان علیه آن برزند. در مورد مسئله وحدت در صفوف خود،

جبهه ساندینیستی آزادی ملی نیکاراگوئه اشاره میکنم که در دهه هفتاد برای مسدود کردن جناح مختلف که هر یک خود را به ترتیب "هواداران جنگ خلق"، "پرولتاریا" و "هواداران قیام" مینامیدند شکل گرفتند. در فاز آخر انقلاب مسلحانه رهبران این سه جناح با هم به توافق رسیدند که از آن پس با هم وحدت کرده و به صورت یک جریان سیاسی یگانه ظاهر شوند و عمل نمایند. باید گفت

که پیش از آن نیز بر همه معلوم بود که هیچ گونه اختلافی نیست و بنیادی بین سه جناح مذکور موجود نبود. تنها روشهایی که میبایست در جریان عمل انقلابی به کار گرفته شود مورد اختلاف بود. البته اعتلای جنبش توده ای خود به خود صحت یا عدم صحت نظریات گوناگون موجود را روشن ساخت و رهبران سه جناح سریعاً به وحدت رسیدند. لازم به توضیح است که این جناح بندی هیچگاه به طور کامل و روشن در "پایه" شکل نگرفته و هم اکنون هم ماجرای جناح بندی سالهای ۷۰ در سطح جامعه نیکاراگوئه اصولاً برای کسی مطرح نیست. خود من حتی یکبار هم در جلسات رهبری ملی جبهه احساس نکردم که یک فرد یا گروهی از رفقا به نمایندگی از یکی از سه جناح "سخن میگویند".

در طول این پنج سال انقلاب همه تصمیماتی که توسط ارگان رهبری جبهه ساندینیستی آزادی ملی که متشکل از سه تن رفیق فرمانده انتخاب شده اند، ابتدا رفیقانسه مورد بحث قرار گرفته و سپس با اتفاق آرا تصویب شده اند.



بیش از ۳۰۰ هزار نفر در یک میتینگ انتخاباتی در ماناگوا پشتیبانی خود را از دولت انقلابی اعلام کردند.

"سن گرگوریو" ۶ کودک را به قتل رسانده بودند، متلاشی سازد. در این نبرد، مطابق گزارش وزارت کشور نیکاراگوئه ۷۶ ضد انقلابی کشته شده و سه نفر اسیر گردیدند. انریکو اشعیت، تنها کسی بود که از نیروهای دولتی به قتل رسید.

به دنبال پیروزی چشمگیر جبهه ساندینیست در انتخابات و شرکت اکثریت عظیم مردم نیکاراگوئه در رای گیری، دولت ریگان کارزار ضد نیکاراگوئه ای خود را تشدید نمود. سازمان "سیا" به دروغ گزارش داد که یک کشتی حامل قطعات هواپیمای "میگ" - ۲۱ ساخت شوروی در یکی از بنادر نیکاراگوئه پهلو گرفته است. هواپیما های جاسوسی آمریکا چندین بار بر فراز ماناگوا به پرواز درآمدند. یک کشتی جنگی آمریکایی به بهانه تعقیب کشتی شوروی، حرم دریایی نیکاراگوئه را نقض کرد.

"میگول دسکوتو" وزیر امور خارجه نیکاراگوئه طی یک کنفرانس مطبوعاتی ایمن تحریکات آمریکا را محکوم کرده و افزود هیچ

کشتی حاوی قطعات "میگ - ۲۱" به نیکاراگوئه نیامده است. وی گفت دولت ریگان این دروغ را پراکنده است تا احیاناً به بهانه از بین بردن هواپیما های موهوم، به نیکاراگوئه حمله کند. "دسکوتو" اظهار داشت حملات ضد نیکاراگوئه ای ریگان به بهانه ای واهی انجام می گیرد. به ادعای دولت آمریکا، تا زمانی که نیکاراگوئه موافقت خود را با پیشنهاد کشورهای گروه کونتا در اعلام نکرد، این پیشنهاد طرح بسیار خوبی بود. اما به محض موافقت نیکاراگوئه، واشنگتن آن را رد کرد. همین قضیه در مورد انتخابات تکرار شد. تا وقتی انتخابات نیکاراگوئه برگزار نشده بود، از نظر آمریکا برگزاری انتخابات سمبل برقراری دموکراسی بود، اما همینکه انتخابات انجام گرفت، ریگان آن را "صحنه سازی" خواند.

وزیر امور خارجه نیکاراگوئه با مقایسه دو انتخابات، یکی در آمریکا و دیگری در کشور وی، اظهار داشت انتخابات نیکاراگوئه بر خلاف انتخابات آمریکا ماهیت کاملاً دمکراتیک داشته و با مشارکت فعال مردم انجام گرفت.

تصویرهای خون آلود

چند خاطره از زندان

در سیاهچالهای مخوف جمهوری اسلامی لحظاتی از روزهای تلخ اسارت یک زندانی، به دور از شکنجه‌های مختلف جسمی و روانی سپری نمی‌شود. هر آنکس که حتی روزهایی چند را نیز در اسارتگاه‌های مترجین حاکم گذرانده باشد، حس می‌کند که ناچار است گوشه‌ای از مغزش را تا پایان عمر به تصاویر دردآلودی اختصاص دهد که یادآوری هر یک از آنها تا مدت‌ها چین برچینش آورده و قلبش را در زیر فشار رنجی جانگساز، فشرده می‌سازد. صدای رگبار جوخه، اعدام، صدای تازیانه، فریادهایی که آبی می‌گیسرنند و لحظه‌های دیگر با بیهوشی و یا سرگ زندانی تحت شکنجه ناموش می‌شوند، چهره‌های لاغر و رنگپریده، دستهای لرزان، ظلمت مخوف سلول‌های انفرادی، صدای گامهای نگهبانان در دل شب، عریه‌های بازجو و فریادهای رزمجو یا نه‌دل‌ورانی که مشعل مقاومت را همواره تابند مگه می‌دارند... از این قرارند عناصر سازنده، خاطرات دردناک‌ساز روزهای اسارت در زندانهای جمهوری اسلامی. در میان مجموعه، خاطراتی که در ذهن یک زندانی نقش می‌بندد، برخی تصاویر برجستگی و بی‌زهای دارنده این تصاویر عمدتاً در یک زمینه، سیاه و ظلمانی، اخگر سوزان مقاومت و قلب بزرگ مبارزین از جان گذشته را به نمایش می‌نهند. یک رفیق فدایی تصاویری چند از دوران اسارت خود را برای ما چنین به رشته تحریر درآورده است:

اولین شب زمستان

از لحظاتی که چشم‌هایم را بستند و همراه با سه نفر دیگر به زندان جدید، منتقلم کردند، ساعتی می‌گذرد. در داخل سلول جدید، چشم‌بندم را برداشته و روی تنها پتوی موجود دراز کشیدم. سرم به شدت گیج می‌رود. این حالت در بین راه به من دست داد. برای انتقال به زندان جدید، ما را کف مینی‌بوس خواباندند و روی سر هر کدام یک پتو انداختند. ماشین در فاصله نسبتاً طولانی بین دو زندان، آنقدر چرخید و دور زد، که چیزی نمانده بود به حالت تهوع دچار شوم.

لحظاتی که مینی‌بوس ایستاد و یک در بزرگ با غواغز باز شد، فکر کردم که اینجا باید یک باغ بزرگ باشد. یک لحظه نیز به این گمان افتادم که اینجا همان زندان اولیست. چرا که در بزرگ رودی آنجا نیز، همین‌گونه صدا می‌کرد. وقتی هر یک با چشم‌های بسته گوشه‌کوت یکدیگر گرفته و به دنبال هم از چند پله بالا می‌رفتیم، صدای قطره آبی را شنیدیم که انگار بیرون درون چاه عمیقی افتاده و در فضای تهی، انعکاس آکنگینی پیدا می‌کرد. بوی نا، زیردامن پیچید و تنم مرمورش. احساس کردیم که باید وارد یک حمام قدیمی و متروک شده باشیم. این زندان

جدید است. بوی نا به این علت است که ساختن آن را تقسیم‌بندی کرده و به شکل سلول‌های مجزا از هم درآوردند. نهر مطلقاً به داخل راه ندارد و از همین‌رو دیوارها هنوز خسرانند.

سرم همچنان گیج می‌رود. به نظر می‌رسد که دیوارهای سلول حول محوری کسه امتداد نگاهم آنرا می‌سازد، مدام در حال چرخشند. اما هرگاه صدایی به گوشم می‌رسد، این چرخش متوقف می‌شود. صدایی ضعیف از یک سلول دور می‌پرسد: "ساعت چنده؟" و صدایی دیگر جواب می‌دهد: "دمدما عصر". دوباره سکوت برقرار می‌شود. دیوارها به چرخش درمی‌آیند. ولی ناگهان با برخاستن صدای چند کلوله در جای خود می‌کوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که صدای تیراندازی از پشت دیوار سلول می‌آید، نزدیک است و بمتر از حد معمول. بعد از چند دقیقه سکوت صدایی می‌پرسد: "چی بود؟" صدای دیگری پاسخ می‌دهد: "چیزی نیست، دوباره برای قایق‌سی طولانی تیراندازی ادامه می‌یابد. بعدها که به بند عمومی منتقل شدم و مرا در اتاقی مشرف به میدان تیرجا دادند، دیدم که بعضی از بازجوها و پاسدارها و مسئولین زندان درست پشت بند، در مواقع بیکاری بسا سلاح‌های مختلف، مسابقه تیراندازی می‌دهند و از این طریق سعی می‌کنند روحیه زندانیانی را که به تازگی به این اسارتگاه منتقل شده‌اند، ضعیف کنند.

ساعتی بعد، در بند با سروصدای زیادی

گشوده می‌شود. در سلول‌ها را، سها سها، باز می‌کنند و ما را به دستشویی می‌برند. از یک لحظه غفلت پاسدار نگهبان استفاده می‌کنم و از نفر جلویی با صدای خفیفی می‌پرسم: "سیگار داری؟" نگاهش به این طرف و آن طرف می‌اندازد و با دست به سلول خود اشاره می‌کند. موقع بازگشت وقتی وارد راهروی بند می‌شوم، دستی از در سلول مجاور دراز شده و سه نخ سیگار و یک پرتقال تعارف می‌کند. فوری می‌گیرم و وارد سلول خودم می‌شوم. چند دقیقه بعد از بسته شدن در همه سلول‌ها، پاسدار نگهبان وسط بند می‌ایستد و با صدایی بلند می‌گوید: "هر کسی حرف بزنه، حکم اعدام خود شو صادر کرده. اگه بشنیم، میام توی سلول و یه تیر تو مغزش خالی می‌کنم."

دقیقاً بعد از رفتن پاسدار، از سلول مجاور صدا می‌آید: "اسمت چیه؟" تردید دارم اسم را بگویم. می‌گویم: "اسم من حمیده" من نیز نامم را می‌گویم. می‌پرسد: "اتهامت چیه؟" باز دچار تردید می‌شوم. می‌گویم: "منی خوام چیزی اضافه براون که اینا ازت می‌دونن، بگی." با حالتی دودل جواب او را می‌دهم. بعد از

چند لحظه سکوت او دوباره مرا مخاطب قرار داده و می‌گوید: "فکرمی‌کنی که ما کی آزاد می‌شیم؟" جواب می‌دهم: "چندان دیر نیست" او این جمله را چند بار تکرار می‌کند و بعد می‌پرسد: "اگر اعدا، ممن کنن چی؟ می‌کن حاکم اینجا زیاد حکم اعدام نند. تو چی می‌شنیدی؟" پاسخ می‌دهم: "اطلاعی ندارم." دقیقاً طولانی سکوت برقرار می‌شود. به حالتی مثل خلسه دچار می‌شوم که آهسته آهسته دیوار می‌زند و بعد با لحن خاصی می‌گوید: "اگر خواستند با هم اعدا، ممن کنن، یادت باشه دستای همدیگر بگیریم." بغضی که ناگهان پنجه در گلویم می‌افکند اجازه نمی‌دهد سریعاً به او جواب دهم. بعد از چند لحظه به زحمت تکرار می‌کنم که: "حتماً! حتماً! حتماً!"

چند ساعت می‌گذرد. باران شدید و در گرفته. اولین شب زمستانی است. همه در حالت خواب و بیداریند که در بند با حالت ناگهانی و خشنی باز می‌شود و چند نفر وارد می‌شوند. از صدای پاهایشان می‌شود حدس زد که باید بیش از ۵ نفر باشند. اسم چهار نفر را می‌خوانند. از جمله اسم حمید را. حالت عصبی‌شان شدید تر از حد معمول است. یک نفرشان با صدای گوش‌خراشی فریاد می‌زنند: "کیسه! لوازمتون جمع کنین!" آنها را از سلول‌هایشان بیرون کشیده و با خود می‌برند. در بند با خشونت بسته می‌شود. دوباره سکوت همه جا را فرا می‌گیرد. حالت خواب و بیداری بر همه چیز سلطه می‌یابد. شاید سه یا چهار ساعت می‌گذرد. خواب می‌بینم که دستی موهایم را گرفته، روی زمین می‌کشد. و به طرف یک فضای ظلمانی می‌برد. وحشت زده از خواب می‌پرسم و درست در همان لحظه صدای رگبار مسلسل نفسم را در سینه بند می‌آورد. بعد از دقیقه‌ای سکوت صدای چند تک‌تیر را می‌شنوم.

ساعتی می‌گذرد. باید دمدما صبح باشد. در بند باز می‌شود. یکی را برگرداند فاند، با صدایی تبالود، هذیان می‌گوید: "حتماً" او را برده و همراه با تیرباران سه نفر دیگر، اعدام مصنوعی کرده‌اند.

چند روز بعد که من به بند عمومی منتقل شدم، عصر جمعه بود که پاسدار بند آمد و کیسه‌های میوه‌ای را که خانواده‌های زندانیان آورده بودند، تقسیم کرد. بین کسانی که می‌بایست کیسه میوه‌شان را می‌گرفتند نام حمید و یکی از پاسداران هم بود. کیسه او را اشتباهاً به داخل بند آورده بودند. همه تعجب کردند که چرا برای پاسدار زندان هم میوه آمده است. ساعتی بعد فهمیدم که مادرحمید، برای پسر همسایه‌شان نیز میوه فرستاده است. همسان پاسداری که حمید را لوداده بود. میوه‌های او درست به اندازه میوه‌های حمید بود.

در سلول مجرد

سرم را زیر گوش محمد می‌برم و می‌پرسم: همیشه دستشویی رفتن همین وضع را داشته؟

چهره سفید شده از کم‌نوریش را آرام به طرفم برمیگرداند و می‌گوید: "امروز بیست و هفت روزه که شکم کار نکرده" و بعد هنگامی که با ناباوری

من روبرو می‌شود می‌پرسد: "پیش از اینکه بیایی مجرد فکر می‌کردی توی همچین جایی سی هفت نفر جا بگیرند؟" می‌گویم: "نه! واقعا نه!" لبخندی می‌زند و می‌گوید: "چیزهای یاور نکردنی دیگه ای هم می‌بینی."

در سلولی بسیار کوچک یک تخت سه طبقه گذاشته‌اند و سی و هشت نفر را در آن، جدا داد فاند. بچه‌ها مانند کرم برشمن روی هم‌دیگر می‌لولند. به ندرت اتفاق می‌افتد که بتوانسی لحتظای پایادیت را از نورا ست کنی. در هر چهل و هشت ساعت یکبار نوبت میرسد که بتوانی روی زانوان خم شده چند نفر دراز بکشی و دست‌هایت را زیر سینفات جمع کنی. روشناسایی سلول از طریق لاسپ کم‌نوری که با یک توری ضخیم پوشیده شده تا مین می‌شود. گذشت زمان بتغییر روز و شب نامحسوس است. شاید حدید سه روز است که مرا به این سلول منتقل کردند. سلول مجرد قزل حصار.

می‌پرسم "تاکی باید توی این سلول ماند؟" محمد جواب می‌دهد: "بستگی داره، بعضی‌ها دو ماه، بعضی سمچهار ماه، اگر هم شانس بیاری یک ماه، باید دید کی صورتت به رنگ کپک مایل به سبز درمیاد. این موقع خود حاجی رحمانی میاد و صورتت را نگاه می‌کنه. اگه بنظرش کافی باشه می‌برد عمویی... صورت من خیلی سفید شده، نه؟" می‌گویم: "اگه توی این نور خوب تشخیص داده باشم آره" بعد اضافه میکند: "یواش، یواش شروع می‌کنه به سبز شدن."

والیبال می‌زنی؟ "خنده بیرنگی می‌کنم. خیلی جدی تکه ای نخ را که از یک پتوکنده از لیفسه شلوارش بیرون می‌آورد و یک سرش را به انگشت سیابه دست چپ من و سر دیگرش را به انگشت خود می‌بندد. حالا یک تیر والیبال سی سانتی داریم. بعد یک توپ کوچک که آنهم با نخ پتو درست شده، از تری سینه اش در می‌آورد و در حالیکه هر دو می‌خندیم شروع به بازی می‌کنیم، حالا می‌فهمم که چرا در گوشه دیگر سلول یک زندانی مدت‌هاست که دوانگشت دست خود را، بر طول دست دیگری به بالا می‌لغزانند و بعد از سرکتف تا پشت دست می‌سزاند. او دارد اسکی می‌کند و دیگری با یک انگشت سنگینی دست دیگر را بلند می‌کند. "حتما" او غم دارد و زنه برمی‌دارد. به این ترتیب روز و شب سی و هشت نفر در یک سلول بسیار کوچک با این گونه ورزش‌ها می‌گذرد. از این همه نیروی مقاومت و پایداری احساس شغف و امید می‌کنم.

در سلول‌های مجرد روزی دو وعده غذا می‌دهند. غذا بسیار مختصر و کم حجم است، به هر نفر چیزی در حد نصف نان لولوش با ملاقاتی لوبیا و یا پنج شش قاشق برنج می‌رسد. از جای خبری نیست. در هر بیست و چهار ساعت یک بار زندانیان را به دستشویی می‌برند ولی از

شدت فشارهای جسمی و اضطراب‌های ناشی از شرایط محیط، بسیاری از زندانیان تا روزهای طولانی دچار یبوست یا ناراحتی‌های مشابه هستند.

دقایقی پس از بازی والیبال از گوشه سلول پتویی شروع می‌شود و بعد همه سلول را فرامی‌گیرد. یکی از بچه‌ها موقع رفتن به دستشویی، از توی کبره وریک بسته جای کیسه‌ای لیپتون پیدا کرده است. بحث این است که چگونه می‌توان جای درست کرد. احمد که عینکش را گرفتارند و قصادر نیست نه سلول را ببیند یک لیوان فلزی از زیر تخت در می‌آورد و می‌گوید: "توی این درست می‌کنیم." همه دست به کار می‌شوند. چربیهای ماسیده برگشته تخت‌ها را با ناخن جمع می‌کنند و کف سلول می‌ریزند، چربی جامد به اندازه نصف قوطی کبریت جمع می‌شود. بعد با نخ پتو قتیله می‌سازند و در زری قرار می‌دهند. داخل لیوان را از تنگ پلاستیکی آب بر می‌کنند. مجید که روی طبقه سوم تخت نشسته یک شاخ کبریت از لیفه شلوارش در می‌آورد و به شیشه کوچک پنجره‌ای که پشتش کلانند پد است می‌کشد. شعله دست به دست می‌چرخد و به پایین می‌رسد و قتیله را روشن می‌کند. لیوان را آنقدر روی شعله نگه می‌دارند تا آب ولرم می‌شود. بعد لیپتون را در آب می‌اندازند. دقایقی بعد لیوان جای بیسن سی و هشت نفر دست به دست می‌چرخد و دسر کس جرعه کوچکی می‌نویسد. ماه‌ها بود که بچه‌ها رنگ جای را هم ندیده بودند.

"بروتوس! توهم؟"

دنگام عربوب است. آخرین شعاع‌های بی‌رمق آفتاب پاییزی از پنجره کوچک بند به دیوار روبرو افتاده است. ساعتی می‌شود که ورا آورد ماند. از آن هنگام که در بند صدا کرد و او با کیسه پلاستیکی خرت و پرت‌هایش وارد شد، تاکنون جلوی در سلول نشسته و به نقطه‌ای خیره شده است. موهایش از ته تراشیده و ریش تنکش به سفیدی میزند. رنگش زرد و لبهای کلفتش کبود است. چهار شانه است و گونه‌هایش که به نظر می‌رسد روزی گوستالود بود فاند پلاسیده و از دو طرف آهوزان است. با کسی حرف نمی‌زند. گهگاه برمی‌خیزد، روبروی دیوار می‌ایستد، در حالیکه جایی برای حرکت پاهایش ندارد. شست‌هایش را گره می‌کند و با تشنج آنها را ابتدا به طرف دیوار و بعد به زیر سینه می‌آورد. پس از چند بار تکرار این عمل، صورتش را که از انقباض و تشنج رو به کبودیست برمی‌زداند و در زمان حال که به نقاب‌های خیره شده است با صدای خفیفی می‌پرسد: "بروتوس! توهم؟" این گونه حرکات عادیست و کمتر کنجکاو کسی را برمی‌انگیزد. تک‌های نان خشک تعارف می‌کنم: "بگیر، گرسنه‌ات نیست؟" بطرفم برمی‌گردد و در گودی قاب چشمانش و تپله بی‌فروغ، آرام تکان می‌خورد. دست در کیسه‌اش می‌کند، مقداری پنبه که دیگر خشک و زرد شده در می‌آورد. بعد هر دو را

نصف می‌کند و نیمی از آن را برای خودش برمی‌دارد و همین خوردن شروع به صحبت می‌کند. می‌خواهم بگویم که حرف نزنند، اما نیاز به گوشش را در او آنقدر قوی می‌بینم که فقط گوش میدهم: "میدونی؟ بیشتر از ده ماه توی نفرادی بودم. اینجا چقدر شلوغه، مثل اینکه جای خواب نیست. حتما باید چارچنگولی خوابید... با اینحال خیلی خوبه... نغد ونم توی کدم زندون‌ها بودم، نزد یک ساله که منو از اینجا به اونجا می‌برن. همه‌اش هم انفرادی. ببین! می‌خواهد پیراهنش را بالا بزند. می‌تونی یکی پشتم چه شکلیه؟" دستش را می‌گیرم و می‌گویم: "بعدا نشون میدی، کفی هم یواش تر حرف بزن!" ادامه می‌دهد: "خیلی بلا به سرم آوردن، آخرش همین دیروز بود، شاید هم پریروز، اجتماع و بستن و بردن به جایی روی صندلی نشوند. نغد ونم چند وقت نشسته بودم که دیدم به چیزی آورم - آورم به سرم می‌خوره. اول زیاد اهمیت ندادم ولی بعد کنجکاوشدم. کمی سرمو بالا آوردم. نمی‌دونستم کجا دستم، کس دیگه ای هم اونجا هست یا نه. چشم‌بندم آنقدر محکم بود که هیچ روزنای نداشتم. توی از روی صندلی بلند شدم، به نظرم او مد سرم دازه به ته کفش می‌خوره. مدتی می‌خکوب نشستم، به کرم رسید که پای یک دیوارم و کسی روی دیوار نشسته و پای آویزش به سرم می‌خوره. از کنجکاوئی داشتند یانه می‌بدم. چند بار سرمو زدم به کفش، هر دفعه محکم تر. کفش مثل پاندول تگون می‌خورد. اعصابم خرد شده بود، انار به سرم سیم برق وصل کرده بودند. دل به دریا زدم، دستمو بالا آوردم و کفش رو له من کردم بیشتر و بیشتر. بالا تر رفتم، به پارچه خیس، به نظرم رسید که ده پای یک شلوار باشد... نغد ونم چطور شد. خنگ توی صورتم انداختم و چشم‌بند رو کندم. وقتی چشم به بالا افتاد شروع به نعره زدن کردم. میدونی؟ دیدم توی اطاق، یه دختر تیرارون شده رو از گلو به طناب بستارند. وبه چنگ سقا آهوزان کرده اند!" صورتش متشنج می‌شود. می‌گویم: "اگر حالت بد میشه نگوا" ادامه می‌دهد: "فوری باز جواد تو وقت: "مادر... اکه می‌خوای تور رو هم اینجوری کنی حرف بزن!" ولی من حرف نزدم هیچوقت هم حرف نمی‌زنم... میدونی سزار رو کی کشتی؟... یکی از نزدیکیان یارانش. نه من هیچ اسمی بهشون نمی‌دم. نمی‌خوام کسی که از طریق لودا دن من تیرارون میشه در لحظه آخر رو به من حرف سزار رو تکرار کنه و بکه: "بروتوس! توهم؟" سکوت می‌کنم و سرش را روی دست‌هایش می‌گذارد. دقایقی بعد پاسداری وارد می‌شود و اسمش را می‌خواند. آرام برمی‌خیزد کیسه‌اش را برمی‌دارد و از سلول خارج میشو. شاید نامش جزو شهدای امشب باشد.

ادامه دارد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه اول

اعدام و عده کثیر دیگری به زندان های دراز مدت محکوم شد مانند . این احکام بمرور اجرا نیوسر گذاشته شده است .

درباره محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران که مسئولین قضایی باصطلاح آغاز قریب - المتوقع آنرا اعلام کرد مانند باید خاطرنشان ساخت که این محاکمه نیز از مدت ها پیش در زندان اوین شروع شده بود . و با صدور احکام اعدام عده زیادی از آنان پایان پذیرفته است . ارگان های سرکوبگر که نزدیک به دو سال قریب آن خود را زیر شکنجه های وحشیانه و بی بکار گرفتن انواع مواد مخدر تحت فشارهای شدید جسمی و روحی اقرار داده بودند ، بسر خلاف سنن رایج از مدت ها پیش احکام اعدام اعضای رهبری حزب توده ایران را کتبا به تک تک آنان سپرده و اصرار داشتند تا این احکام به ریت اعضای خانواده آنان نیز برسد .

هدف ارگان های سرکوب و شکنجه ارتوسل به این عمل ضد انسانی ، تحت فشار روحی قرار

دادن نه تنها زندانیان سیاسی بلکه در عین حال خانواده های آنان نیز بود تا در صورت امکان بدین سان قریب آن رژیم ترور و اختناق را برای حضور در دادگاه نمایشی و اعتراف به گناهان ناکرده آماده سازند . این شیوه مطروود از نظر بشریت مترقی ، هایت رژیم را که ادعای " عدل اسلامی " می کند بیش از پیش فاش - می سازد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران این عمل ضد بشری ارگان های قضایی را محکوم می کند ، از همه نیروهای ملی و مترقی و شخصیت های انساندوست در کشور و سراسر جهان می طلبد تا صدای اعتراض خود را علیه این جنایت در حال تکوین بلند کنند .

محاکمه اعضای رهبری ، کادرها و دیگر اعضا ، و هواداران حزب توده ایران وقتی می تواند مورد پذیرش قرار گیرد که :

۱- گروهی از پزشکان و کارشناسان بیطرف خارجی وضوح جسمی

و روحی زندانیان سیاسی را مورد معاینه قرار دهند و امکان حضور آنان را در دادگاه تصدیق و اعلام کنند .

۲- هیئت نمایندگی حقوق دانان دکرارت پرونده های زندانیان و شیوه های بکار گرفته شده برای اخذ " اعتراف " از جمله چگونگی صدور احکام اعدام سپرده شده بدست تک تک اعضای رهبری را مورد بررسی قرار دهد .

۳- به زندانیانی که برای بار دوم پس از صدور احکام اعدامشان می باید در دادگاه فرمایشی علنی شرکت کنند اجازه انتخاب وکیل مدافع از داخل و یا خارج کشور داده شود .

تردید نیست که اگر مسئولین ارگان های قضایی به اتهامات سخنی که به اعضای حزب توده ایران نسبت می دهند پایبند باشند نباید از پذیرفتن این شرایط عقیقا عادلانه و برحق و انسانی سر باز زنند . عدم پذیرش این شرایط دلیل بارزی بر بی اعتباری این صحنه سازی به نام " دادگاه " را به ثبوت خواهد رساند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۱ آبان ۱۳۶۳



در حاشیه

مسئله زمین خوشبختانه حل شده است!

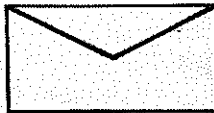
آذری قمی :
"مسئله زمین خوشبختانه حل است یعنی مساله عمده ای نیست . برای این که مملکت ما وسیع است و زمین حاصلخیز هم زیاد است و هیچ لزومی ندارد که زمین های افراد را تکه تکه کنند و بازدهی آنرا پائین بیاورند . سراغ آن زمینهای موجودی که به بلانماز هم هست نروند . همینطور که امام اشاره فرمودند و این مساله را محرز دانستند که کشاورزی چیزی است که دست بخش خصوصی است ."

(ضمیمه اقتصادی اطلاعات - ۶ آبان)
برای خرید توپ فوتبال

باید از مسجد تأییدیه داشت

اعضای تیم شهید محمود شرفی از جنوب تهران ، با ارسال نامه ای به اطلاعات نوشتند :
چندی پیش برای خرید یک توپ فوتبال به نرخ دولتی به فروشگاه ورزشی رفتیم و فرم مخصوص دریافت کردیم و پس از تکمیل آن به توصیه فروشگاه مزبور ، فرم پرشد را جهت تأیید به شورای مسجد شهابی بردیم . اما متاسفانه از تأیید آن خودداری کردند . . . خلاصه برای گرفتن یک توپ ۸۲/۵ تومانی کلی کلنجار رفتیم و دست آخر بدو نتیجه و دست از پا درازتر برگشتیم . (اطلاعات - ۱۲ آبان)

نامه های خوانندگان



★ رفیق مرضیه (تهران) - نامه هایتان را مرتباً دریافت می کنیم . به مکاتبه خود با ما ادامه دهید .

★ رفیق ب. فرزاد (ایتالیا) - سریعاً با ما تماس گرفته و آدرس خود را در اختیارمان قرار دهید .

★ رفیق نادر سر . (ترکیه) - امانتی شما را دریافت کردیم .
★ رفقای هندوستان :

- اشعارم به دستمان می رسد .
- بریده های جراید به زبانهای اردو یا هندی باید با شرح فارسی همراه باشد . آنچه که به عنوان انعکاس مواضع سازمان در قبال جنگ در نشریه های هندی فرستاده بودید ، لازم بود ترجمه نیز می شد .

★ رفقای پاکستان : اشعار را که فرستاده بودید دریافت کردیم . از آنها استفاده خواهیم کرد .
از مکاتبه مستمر شما با نشریه بسیار شادمان می شویم .

وحشت از رنگ سرخ و نام کارگر

"در بندر ماهشهر تیمی به نام دسته ورزشی کارگر در مسابقه فوتبال شرکت می کند که از چند سال پیش . . . برای پیراهن رسمی خود در رنگ اعلام کرده است ؛ یکی سرخ بسا نوار سفید و دیگری سفید با نوار سرخ . اخیراً هیات فوتبال بندر اشکال اساسی در رنگ لباس یافته و رنگ سرخ را مغایر صالح و نامناسب تشخیص داده است زیرا رنگ سرخ و انام کارگر تولید اشکال می کند ."

(کیهان ورزشی - ۱۴ مهر)

ورود معلم مرد به مدارس دخترانه ممنوع!

نامه یک دانش آموز به روزنامه اطلاعات :
"اداره آموزش و پرورش تبریز ، امسال معلمین مرد را از دبیرستانهای دخترانه برداشت . این مساله در حال حاضر موجب بی دبیروماندن بعضی از دروس دبیرستانها شده است . به طوری که ما دانش آموزان سال چهارم تجربی دبیرستان زینبیه تبریز ، هنوز پاره ای از کتابهای اساسی و اصلی مان معلم ندارد ."

(اطلاعات - ۱۲ آبان)

گسترش اعتیاد ، به کجا رسیده است!

گسترش وحشتناک اعتیاد به مواد مخدر در ایران به جایی رسیده است که یک نماینده مجلس اصل را بر معتاد بودن می گذارد و می گوید :
"با فراهم کردن امکانات رفاهی ، اشتغال و . . . باید از معتاد شدن افرادی که هنوز معتاد نشده اند ، جلوگیری کرد !"
(اطلاعات - ۱۲ مهر)

توضیح

به دلیل تراکم مطلب ، درج قسمت هفتم مقاله "کارنامه جمهوری اسلامی ، در مراکز آموزشی سیاه و رنگین است" در این شماره میسر نشد . دنباله این مطلب را در شماره آینده خواهیم خواند .

فشرده‌ای از مصاحبه خبرگزاری نووستی با وادیم زاکلادین

روسی است، اما همه ملل زبانش را می فهمند

با این عبارت، در سال ۱۹۱۷ روزنامه سوئیسی "لافوی" انقلاب اکتبر را توصیف نمود. در قرن ما هیچ رویداد دیگری که ابعاد و تاثیر آن بر سرنوشت بشریت قابل قیاس با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر باشد، وجود ندارد. با این همه، امروزه "شهری شناسان" بهرزه اغلــب می‌کشند اهمیت تاریخی این انقلاب را کمتر از آنچه هست جلوه دهند. آنها ادعا می‌کنند انقلاب اکتبر تضاد قاتل به وقوع پیوسته و نمی‌تواند الگویی برای کشورهای غربی باشد. اما کل جریان تاریخ جهان نشانگر آنست که چنین ادعاهایی تا چه حد نادرست است نشان می‌دهد. اندیشه لنینیسم تا چه حد از حیات و بهایی برخوردار است، و بسیاری از قانونمدنی‌هایی که در جریان انقلاب اکتبر برای نخستین بار تحقق یافت، اعتبار عمومی دارند. گفتگوی خبرنگار خبرگزاری شوروی نووستی با پروفیسور وادیم زاکلادین دانشمند شوروی که بخشهایی از آن در ذیل خواهد آمد، درباره موضوعات بالاست.

قانونمدنی یا عوجاج تاریخ؟

س: نظر شما درباره این ادعا که انقلاب روسیه "ابداع" نیوآمیز ولادیمیر لنین و حزب بلشویک تحت رهبری او بوده، چیست؟
ج: پیش از هر چیز باید گفت به نظر ما طرح سؤال بدین شکل نادرست است، واقعیت این است که انقلاب اکتبر نهمه سالها کار و زحمت عظیم حزب بلشویک به رهبری لنین بود. پیش از این انقلاب، آزمایش‌های بزرگی انجام گرفته بود. منظور، قیام مسلحانه دسامبر ۱۹۰۵ است. همچنین پیش از انقلاب اکتبر انقلاب بورژوا-دموکراتیک فوری به وقوع پیوست. در جریان این انقلاب، کارگران و دهقانان روسیه برای تجربه تجربات خود درک کردند که اگر بجای تزاریم، حاکمیت سرمایه در شکل احزاب سیاسی آن بنشیند، هیچ مستلما حل نخواهد شد و نان، صلح و آزادی به دست نخواهد آمد. توده‌ها تنها پس از آنکه این دوره طولانی و بسیار دشوار آموختن در مکتب انقلاب را پشت سر گذاشتند، به پشتیبانی از شعار لنینی "همه قدرت به دست شوراها" برخاستند، انقلاب کردند و حاکمیت سرمایه‌داران و زمینداران را سرنگون ساختند.

در رابطه با خرد رویداد انقلاب نیز نه می‌توان از "ابداع" سخن گفت و نه از رویدادهای تضاد فی و اتفاقی، بلکه جریان بدین ترتیب بود که (بلشویکها) با دقت همه عوامل و شرایط را در محاسبه خود گنجانده، به درستی جمع‌بندی کرده و زمان عمل انقلابی را دقیقاً "برگزیدند". انقلاب، هم علم است و هم هنر. لنین و حزب بلشویک نیز درست از آن روکه تحلیل علمی اوضاع

را با هنر انتخاب تاکتیک درست پیوند دادند، توانستند زمان درست را برای آغاز قیام مسلحانه برگزینند.

س: اما آنهایی که سخن از "ابداع" (لنین) می‌رانند هدفشان این است که ثابت کنند انقلاب اکتبر نه یک قانونمدنی، که یک امر تضاد فی بود.

ج: در حقیقت دشمنان انقلاب ما، چه سیاستمداران و نظریه‌پردازان بورژوایی و چه سوسیال‌دمکراتهای راست آن زمان، از همان روزهای نخست پس از اکتبر ادعا می‌کردند این انقلاب یک عوجاج تضاد فی تاریخ بوده، پدیده‌ای قانونمند محسوب نشده و بنابراین محکوم به شکست است.

باید گفت این "استدلال" حتی اکنون، در اواخر قرن ما در غرب با شدت خاصی تبلیغ می‌شود. من در اینجا به ذکر یک نطق پرزیدنت رونالد ریگان اکتفا می‌کنم. رئیس‌جمهور آمریکا در این نطق برای چندمین بار خواهان آن شد که به آخرین صفحات ناپهنجاری تاریخ بشر موسوم به کمونیس "پایان داده شود". وی از این نیز فراتر رفت و خواستار تهاجم به کمونیس از طریق "مسلح شدن به استراتژی مبارزه در مواضع به پیش برده شده" گردید. اما این منطق راه به جایی نمی‌برد. اگر مسئله، یک "ناپهنجاری تاریخ" می‌بود، این "ناپهنجاری" می‌بایستی مدت‌ها پیش از بین می‌رفت. اما حال که امروزه عس و د هفتاد هه پس از انقلاب اکتبر، سوسیالیسم نه تنها از بین نرفته، بلکه برعکس، قوی‌تر شده و به درفش پیش از یک سوم بشریت تبدیل گردیده، دیگر "ناپهنجاری" در کجاست؟

مطابق پیش بینی مارکس، یا خلاف آن؟

س: قانونمند بودن انقلاب اکتبر رانه تنها ایدئولوژی بورژوایی، که برخی رهبران سوسیال‌دمکراسی نیز به زیر سؤال می‌برند. آنها معمولاً "بدین منظور از کارل مارکس چنین نقل می‌کنند که گویا انقلاب سوسیالیستی تنها در کشورهای بسیار پیشرفته می‌تواند پیروز شود.

ج: حق با آنها نیست. البته بنیانگذاران آموزش ما در سالهای ۴۰ قرن گذشته معتقد بودند انقلاب سوسیالیستی در پیشرفته‌ترین کشورهای، و حتی در آن واحد در پیشرفته‌ترین آنها، به وقوع خواهد پیوست. اما بعدها بر طبق تحلیل عمیق‌تری در تکامل اجتماعی، به نتایج دیگری رسیدند.

آنها پیش از هر چیز متوجه شدند که برای وقوع یک انقلاب، نه فقط شرایط عینی و مصادی، بلکه همچنین شرایط ذهنی، یعنی اراده، آمادگی و توانایی توده‌ها به قیام برای انقلاب لازم است. هر دو عامل باید تلفیق یابد.

کارل مارکس و فریدریش انگلس با توجه به پیوند واقعی شرایط عینی و ذهنی یک انقلاب در کشورهای گوناگون به این نتیجه رسیدند که مرکز جنبش انقلابی، دائماً در حرکت است: نخست از انگلستان به فرانسه، سپس به آلمان. هم مارکس و هم انگلس اواخر عمر خود امید زیادی به جنبش انقلابی روسیه بسته بودند.

س: و این در حالی بود که روسیه یک کشور عقب‌مانده به شمار می‌رفت، امری که امروزه اکثر "رهبران سوسیال‌دمکراسی بر آن انگشت می‌گذارند.

ج: آری، علیرغم عقب‌ماندگی کشور در آن زمان. مثلاً "انگلس به وضوح می‌دید که در روسیه، سرمایه‌داری شروع به رشد کرده، لایقه کارگر در حال اعتلاست و خلق در تعامیت خود دارای سنن کلکتیویستی (جمع‌گرایانه) و سنن مبارزه‌رهای بخش‌است.

اوایل قرن ما، اوضاع در روسیه بیشتر تحول یافت. به ویژه در این دوره، با گذار سرمایه‌داری از رقابت آزاد به امپریالیسم، کل سیستم سرمایه‌داری به گذار انقلابی به سوسیالیسم نزدیکتر شد. با توجه به این امر، موقعیتی بوجود آمد که در آن گسستن زنجیر سرمایه‌داری در ضعیف‌ترین حلقه آن امکان‌پذیر گردید. این نتیجه‌گیری، توسط لنین انجام گرفت که در تمام دوران فعالیت خود، پیگیرانسه از آموزش مارکس و انگلس پیروی می‌کرد. این حلقه ضعیف، روسیه بود.

به ویژه باید گفت روسیه اوایل قرن حاضر کشوری با سطح رشد صنعتی متوسط بود و از این لحاظ در رده پنجم جهان قرار داشت.

در صنعت، اتحادیه‌های انحصاری، که تعدادشان به ۱۵۰ می‌رسید، مواضع هر چه مستحکمتری به دست می‌آوردند. از لحاظ درجه انحصاری شدن صنعت، تنها آلمان و آمریکا از روسیه جلوتر بودند. در این کشور، همچنین گروه‌های بزرگ بانکی ایجاد می‌گردید. روسیه از لحاظ درجه تمرکز بانکها از همه کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری پیشی گرفته بود. انحصارات صنعتی و بانکی روسیه با شرکت فعال سرمایه خارجی در هم آمیخته و آنچه را که ما مارکسیست‌ها سرمایه‌مالی می‌نامیم، به وجود آوردند.

باید به مطالب فوق این نکته را افزود که در روسیه، میزان بالای رشد با عقب‌ماندگی و بقایای ماقبل سرمایه‌داری، فئودالی و حتی ماقبل فئودالی سرواژه‌ها بود. سیهای روسیه متناقض و پراز تضاد بود.

س: ما طبقه کارگر را نیروی محرکه اصلی انقلاب می‌دانیم. اما آیا در روسیه طبقه کارگر توانسته بود رشد کند؟

ج: در سال ۱۹۱۳ در صنایع روسیه حدود ۲۰ میلیون کارگر مشغول کار بودند. کارگران به اتفاق نیمه پرولترهای شهرو روستا بقه‌د رصفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

۶۴ درصد جمعیت را تشکیل می دادند. سه پنجم کارگران در کارگاههای دارای بیش از ۵۰۰ کارگر کار می کردند، در حالیکه در آمریکا این رقم تنها یک سوم بود. طبقه کارگر روسیه، آمادگی مبارزه داشت و بخش پیشرو آن، بسنه شناخت نقش واقعی خود در مبارزه برای تحویل اجتماعی در روسیه رسیده بود.

"پدیده روسی؟"

س: در غرب مرتباً سخن از يك "پدیده روسی" به میان می آورند...
ج: خوب، چرا که نه. همه چیز بسته به آن است که منظور چه باشد. اگر منظور از "پدیده" همان "ناهنجاری" است، این اصطلاح درست نیست. اما اگر "پدیده" بدان معنی بکار رود که روسیه با کشورهای اروپای غربی و آمریکا تفاوت های اساسی داشت، می توان از این واژه استفاده کرد.

نخست آنکه روسیه، همگونه که ذکر شد، کشوری با بافت اجتماعی - اقتصادی بسیار متناقض بود. از سوی دیگر، این امر بدان معنی بود که در این کشور، برخلاف کشورهای غربی همه اشکال ستم در شکل متمرکز آن تلفیق یافته بود: ستم بزرگ مالکان، سرمایه داران، ستم ملی در پیوند با استبداد سلطنت مطلقه سیاسی و سپس استبداد دولت موقت بورژوازی جنگ جهانی، که فاجای زیادی به همراه آورده بسود، همه تضادهای اجتماعی را تشدید و تعمیق کرده و در اظفار اقتدار گسترده خلق آشکار نمود.

ثانیاً طبقه کارگر روسیه برخلاف طبقه کارگر در غرب که فاقد وحدت، و تا حد زیادی تحت تاثیر جریانات اپورتونیستی و فرمیستی بسود، عمدتاً "کرایش" قلابی داشته و از بلشویکیها طرفداری می نمود.

ثالثاً دهقانان روسیه در مجموع طرفدار انقلاب بودند. دهقانان کشور بطور عمده بی زمین و نیمه پرولتر به شمار می رفتند.

و بالاخره رابعاً - و این بسیار مهم است - در روسیه يك حزب قوی و منسجم انقلابی وجود داشت که به يك تئوری انقلابی مسلح بوده و از تجربیات عظیمی در باره مبارزه عملی و موثر انقلابی برخوردار بود. و در راس این حزب، رهبر نابغه ای مانند ولادیمیر ایلیچ لنین قرار داشت.

آیا انقلاب اکثريت، خشونت آمیز بود؟

س: حال يك تزدیگر مورخین و مبلغین بورژوازی را بررسی می کنیم: "تر" "خشونت" انقلاب اکثريت، "سرمشق ناگوار بلشویسم" و "انقلاب دردناک".

ج: نخست می خواهیم یاد آور شوم که بلشویکیها همواره می کوشیدند انقلاب را از طریق مسالمت آمیز انجام دهند. لنین خواهان آن بود که حتمی از "آخرین فرصت" برای تکامل مسالمت آمیز

انقلاب استفاده شود، اما اگر این فرصت بلااستفاده ماند، قبل از هر چیز به علت خشونت دشمنان انقلاب و ضد انقلابیون و هم چنین تزلزل و در مقاطعی نیز خیانت مستقیم اپورتونیست های سازشکار بود.

آنها که سخن از "خشونت" انقلاب ما به میان می آورند، جانشینان همانها هستند که هر چه در توان داشتند انجام دادند تا انقلاب اکثريت را در دریای از خون خفه کنند.

تسخیر کاخ زمستانی، در اکتبر ۱۹۱۷ به قیمت جان تعداد اندکی از افراد انجامید. حتی يك انقلاب اجتماعی دیگر نمی توان یافت که تعداد تلفات آن تا این اندازه کم باشد.

انقلاب ما رفوف، ترین و انسانی ترین آغاز را داشت. لنین در چهارم نوامبر ۱۹۱۷ (۱۷ نوامبر به تقویم جدید) طی سخنران خود در نشست شورای پتروگراد گفت وی معتقد است می توان به استفاده از حربه های واقعا ملایم طبقه استثمارگران اکتفا کرد. لنین مخالفت خود را با آزمایش: خون آمیز يك جنگ داخلی اعلام نمود.

اما وقتی نیروهای مداخله گر خارجی وارد روسیه شدند، باعث تلفات و خسارات عظیمی گردیدند. ارتش سرخ حدود يك میلیون نفر از مبارزان خود را از دست داد. جمهوری شوروی در مجموع ۸ میلیون تلفات داد. انسان هایی که کشته شدند و یا بر اثر جراحات بیماریهای واکیردار و یا از گرسنگی جان سپردند.

س: اما ما را متهم می کنند که خشونت من محدود به خونریزی نیست، بلکه همچنین احزاب دیگر منوع شدند، نشریات دگراندیشان توقیف گردیدند و خود آنها به زندان فرستاده شدند...

ج: واقعیت بکلی متفاوت از این بسود. احزاب سیاسی بی دلیل ممنوع نشدند. آنها خودشان را ورشکست کردند، اعتقاد مردم را از دست دادند و خود را منحل ساختند. تا تابستان ۱۹۱۸ در روسیه شوروی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی دشمن پرولتاریا آزاد بود، تبلیغات بورژوازی نیز به فعالیت ادامه می دادند.

آنچه مربوط به زندانهای پرهمی گردد، تنها از يك فاکت در این رابطه نام می برم: در تاریخ اول مارس ۱۹۱۸ در پتروگراد تنها ۱۸۷ زندانی سیاسی وجود داشت.

س: اما انقلاب بعد ها علیه مخالفان خود به اقدامات سخت متوسل شد. آیا در اینجا تناقض نیست: انقلاب آنچنان رفوفانه آغاز شد، و آنگاه به اقدامات سخت گیرانه و شدید متوسل گردید...

ج: در تاریخ اول ژانویه ۱۹۱۸، پس از يك میتینگ در استاد یوم اسید را... میخائیلوفسکی، يك سو قصد به جان لنین انجام گرفت. فریتس پلاتن کادر برجسته جنبش کارگری سوئیس و جهان، با پیکر خود، سپری برای لنین ساخت، و لنین تنها مجروح شد. در تابستان ۱۹۱۸، موج ترور علیه انقلاب آغاز گشت. سی ام اوت ۱۹۱۸، يك زن اس. ار. به نام کاپلان سو قصد جانیکارانه ای به جان لنین انجام داد، و لنین باز هم مجروح شد. همان روز، موسی اورتیسکی رئیس "چکسای" پتروگراد، به قتل رسید، و چند روز بعد انقلابی معروف ولودارسکی کشته شد. بیستم سپتامبر ۱۹۱۸، اس. ار. ها و مداخله گران انگلیسی در ترکمن صمصرا، ۲۶ کبیر باکوئسی را تیر باران کردند.

از این رو، کمیته اجرایی مرکزی کل روسیه حکومت نظامی را اعلام، و شورای جنگی انقلابی جمهوری را بنیاد گذاشت. کشور، ناچار با شعار "بیروزی یا مرگ!" به مبارزه برخاست.

آیا "مدل روسی" وجود دارد؟

س: در غرب اغلب می گویند "کمونیسم لنینی" نمی تواند سرمشق دیگران قرار گیرد و حد اکثر به درد کشورهای عقب مانده می خورد.

ج: نخست به جنبه اصولی این سؤال بپردازیم. نباید تصور کرد سرمشق در تاریخ یعنی تکرار موهبه موه. ما از لحاظ علم عمومی اجتماعی، در تاریخ سرمشق وجود دارد. برخی پدیده ها در جریان تکامل اجتماعی تکرار می شود.

همین امر در مورد انقلاب اکثريت صادق است. وقتی اثر آن به عنوان سرمشق سخن می گوئیم، دو وجه اصلی را در نظر داریم: اولاً، انقلاب اکثريت نشان داد نقش سلاب سوسیالیستی اجتناب ناپذیر، ضروری و

مشرعراست. ثانیاً، انقلاب اکثريت بسراى نخستین بار اصول پایه ای تحول سوسیالیستی جامعه را در عمل به نمایش گذارد.

می تو نیم بگوئیم انقلاب اکثريت در خود چندین انقلاب مختلف را پیزند داد. انقلابی سوسیالیستی - طبقه - اکتیو سرمایه - انقلابی دموکراتیک - طبقه بقایای فئودالیسم - و يك انقلاب رهائی بخش ملی، این انقلاب از این طریق تجربیات گراندی برای بشریت بسره ارمان آورده تجربیاتی که در هیچ انقلاب سوسیالیستی دیگری درجه آن نمونه آن دیده نشد.

ترجمه از "سوسیالیسم: تئوری و پراتیک" شماره نوامبر ۸۴





جهان، شصت و هفتمین سالگرد انقلاب اکتبر را جشن گرفت

شصت و هفتمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر امسال نیز چون سالهای گذشته در سراسر جهان با شکوه و گستردگی شایسته این بزرگترین رویداد تاریخ بشر، جشن گرفته شد. عصر روز سه شنبه ششم نوامبر، آندره ای گرومیکو عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مراسمی که به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر برپا شد، نطق مبدی ایراد نمود. وی در این نطق، از جمله در باره مسائل گوناگون سیاست خارجی شوروی سخن گفت. وزیر خارجه شوروی در سخنانش خود، بار دیگر تاکید کرد کشورش آماده است در مورد مسائل مربوط به خلع سلاح و همزیستی مسالمت آمیز " بطور جدی و صادقانه مذاکره کند تا توافق هایی که به نفع هیچ کس لطمه نزند، حاصل گردد. " گرومیکو افزود اهم مسائل، محور خطر هسته ای است، وی افزود اتحاد شوروی آماده است " اگر سایر قدرتهای هسته ای نیز چنین کنند، فوراً سطح همه سلاحهای هسته ای خود را منجمد سازد. " آندره ای گرومیکو اظهار داشت اتحاد شوروی مایل به برقراری مناسبات عادی با جمهوری تودهای چین است. عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی از ایندیرا گاندی نخست وزیر فقید هند به عنوان شخصیت برجسته صلح دوست و آزادپخواه تجلیل کرد.

صبح روز چهارشنبه هفتم نوامبر، رژه سنتی به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر در میدان سرخ مسکو برگزار شد. پس از عبور دستجاتی از نیروهای مسلح شوروی، صدها هزار تن از مردم پایتخت با در دست داشتن پلاکاردهای بزرگی کسه از آخرین موفقیتهای آنها در تولید خبیر می داد، و نیز پرچم ها، گل ها و کبوترهای صلح کاغذی از برابر مقبره لنین گذشتند. بسیاری از شعارها به لزوم پایان دادن به جنون هسته ای و محکوم ساختن سیاست تجاوزکارانه دولت امریکا اختصاص داشت. تظاهرات مشابهی نیز در سایر نقاط اتحاد شوروی برگزار گردید.

همان روز، دولت شوروی در کاخ کرملین ضیافت باشکوهی ترتیب داد. در این ضیافت رهبران حزب کمونیست، نمایندگان شوراهای عالی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی قزاقستان، روسیه، نمایندگان سازمانهای اجتماعی، فرماندهان نیروهای مسلح، پیشگامان و نوآوران تولید، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و قضاومردان شوروی حضور داشتند. از احزاب کمونیست و کارگری و نیز نمایندگی های سیاسی

عقبه شوروی نیز شخصیت های برجسته ای بر سر شرکت. در این مراسم به مسکو رفتند. کنستانتین چرنکو دبیر کل حزب کمونیست در این ضیافت ضمن تبریک این سالروز بزرگ به همه حضار، گفت: " تاثیر انقلاب ما بر سیمیر حوادث جهان و بر سرنوشت بشریت، بسیار عظیم است. اهمیت پاینده و ابدی آن، قبل از هر چیز، همانگونه که لنین گفته، در این است که به تمام جهانیان راه به سوی سوسیالیسم را نشان داد. ما افتخار می کنیم که حزب ما و مردم ما پیشگامان ایجاد جامعه نوین هستند. رهبر اتحاد شوروی نیز عزم راسخ اتحاد شوروی به ادامه کوشش در راه دفع خطر بسروز جنگ که به بشریت سایه افکنده، را مورد تاکید قرار داد. در سایر کشورهای جهان نیز، دولتها و نیروهای ترقیخواه شصت و هفتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی را جشن گرفتند. در کشورهای سوسیالیستی، شخصیت های برجسته خزینی و دولتی در مراسم سالگرد انقلاب اکتبر حضور یافته و سخنانی در باره اهمیت این رویداد بزرگ و نقش آن در تاریخ کشورشان ایراد نمودند. " خوزه رایمون ماچادو و "وتسزرو" عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا در مراسم باشکوه هاوانا اظهار داشت: " اتحاد شوروی از همان نخستین روزهای موجودیت خود، بدون احساس سنتی در راه صلح جهانی می کوشد، و اکنون نیز در پیشاپیش همه، در راه مقابله با خطر بروز فاجعه هسته ای و قطع مسابقه تسلیحاتی اقدام می کنند. " هنری روتیز " وزیر برنامه ریزی نیکاراگوئه اظهار داشت: " هر سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر حکم جشن بزرگی برای همه ملت هایی دارد که به خاطر استقلال، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه می کنند. "

رهبر حزب کمونیست اروگوئه به وطن بازگشت

شنبه سوم نوامبر، ردنی آریسمندی دبیر اول حزب کمونیست اروگوئه وارد مونتویدئو پایتخت این کشور شد و مورد استقبال دهها هزار تن از مردم که به فرودگاه آمده بودند، قرار گرفت. آریسمندی پس از ده سال تبعید، به وطن خود بازگشت. وی هنگام ورود، درودهای گرم خود را به همه میهن پرستان اروگوئه صرف نظر از عقیده سیاسی آنها فرستاد و افزود اروگوئه پس از سالهای سیاه دیکتاتوری به وحدت هر چه گسترده تر همه مردم برای التیام زخم های نیازمند است که رژیم نظامی بر بیکر کشور وارد آورده است.

شامگاه همان روز، آریسمندی در میتیگی با شرکت ده هزار نفر سخنرانی نمود. وی ضمن تقدیر از مبارزه مستکی ناپدید کمونیست های کشورش برای آزادی و دموکراسی گفت: " حزب ما از این امتحان سخت قدرتمند تر از گذشته بیرون آمده است. " آریسمندی افزود حزب کمونیست اروگوئه در طی یازده سال دیکتاتوری

بر وجهه و اعتبار خود نزد رهبران و نمونان مردم افزوده و به عنوان حزب طبقه کارگر تثبیت گردیده است.

اتحاد شوروی در همبستگی با معدنچیان اعتصابی، ارسال مواد سوختی به بریتانیا را متوقف ساخت

در آستانه هشتمین ماه اعتصاب بزرگ معدنچیان بریتانیا، الکساندر بیلوسوف دبیر اتحادیه کارگران معدن زغال سنگ اتحاد شوروی در ۲۹ اکتبر ۸۴ اعلام نمود: اتحاد شوروی به پشتیبانی از اعتصاب معدنچیان تحویل سوخت به بریتانیا را متوقف می کند. این تحریم شامل ارسال زغال سنگ و مواد سوختی دیگر خواهد بود.

او گفت که به ابتکار اتحادیه های شوروی تصمیم گرفته شده است که سازمانهای تجارت خارجی و حمل و نقل، صد زغال سنگ به انگلستان را متوقف سازند.

بیلوسوف افزود: " سازمانهای تجارت خارجی شوروی می دانند که بر طبق قراردادها موجود، به دلیل توقف صادرات مجبور به پرداخت جریمه بصورت ارز فریبی خواهند بود. "

انتخاب مجدد ریگان

رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده امریکا طی انتخابات ششم نوامبر، برای چهار سال دیگر در سمت خرد ابقا شد. وی ۵۹ درصد آرا را به خود اختصاص داد، و والت تراندیل، رقیب ریگان از حزب دمکرات، ۴۱ درصد رای آورد. بیش از ۴۰ درصد واجدین شرایط، در انتخابات ریاست جمهوری امریکا شرکت نکردند. بدین ترتیب، ریگان تنها رای یک سوم مردم امریکا را بدست آورد و اکثریت دارندگان حق رای، از برگزیدن وی خودداری کردند، اما ریگان توانست با استفاده از عدم وجود یک اکثریت واقعی، برنده انتخابات شود. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیش از آنکه پیروزی ریگان و حزب جمهوری خواه باشد، گواه بارزی بر ماهیت غیردمکراتیک نظام سیاسی ایالات متحده است که در آن، خواست واقعی اکثریت مردم، در تعیین سیاست ها و مجریان آن نقش تعیین کننده ای ندارد. بسیاری از کسانی نیز که به ریگان رای دادند، تنها زمانی تصمیم به شرکت در انتخابات گرفتند که ریگان بر خلاف روش خود از آغاز دوره ریاست جمهوری، به لفاظی و سخن پردازی در دفاع از صلح "خلع سلاح" روی آورد. روزنامه شوروی پراگ با اشاره به این امر می نویسد انتخابات رینان از جمله به علت قول دولت وی مبنی بر تلاش در راه خلع سلاح، به ویژه کاهش سلاحهای هسته ای بود. و اکنون این مهم است که آیا ریگان بشخصه ندای صلح خواهانه مردم امریکا پاسخ خواهد داد یا نه.



کارگران

دربرابر اجحافات مدیران دولتی
مبارزه می کنند

در کارخانه کبریت سازی ۲۹ بهمن در تبریز پس از تعطیلات تابستانی، کارگران یاخبرشدند که هیات مدیره تصمیم گرفته است تا حق بهره وری کارگران را حذف نماید. کارگران که حق بهره وری را بخشی از دستمزد خود می دانند، به شدت اعتراض کرده و خواستار لغو این تصمیم گردیدند. آنها با برپایی یک گرد همایی دو نفر از میان خود برگزیدند تا با ایجاد هماهنگی، مساله را دنبال نمایند. اقدامات کارگران و نمایندگانشان، هیات مدیره را به عقب نشاندن و وادار نمود تا بخششی از حق بهره وری را بپردازد.

هیات مدیره برای جبران این شکست چندی پس از آن در ۲۱ مرداد، دستور داد از ادامه کار پنج تن از کارگران جلوگیری شود. در نتیجه کارگران نیز در میان این پنج نفر بودند. همه کارگران کارخانه با اعتراض شدید به این دستور هیات مدیره در محوطه کارخانه متحصن شدند. آنها علاوه بر تحصن به اداره کار تبریز نیز شکایت کردند که البته بی نتیجه ماند. تحصن در روز ۲۳ مرداد نیز ادامه یافت. در پایان این روز بسیا الحاق همسران کارگران به جمع متحصنین در محل کارخانه، این حرکت اعتراضی، شو رو خروش تازه ای یافت. رئیس هیات مدیره که ناگزیر به مذاکره با کارگران گردید، ابتدا کارگران را تهدید نمود و ه هشتاد ارد که بزودی نفرات سپاه پاسداران وارد شده و شدت عمل نشان خواهند داد. کارگران مرعوب این تهدیدات نشدند و پایمان تحصن را مشروط به لغو دستور اخراج نمودند. در پایان مذاکرات که تا نیمه های شب به دراز کشیده بود، مدیریت ناچار شد اعلام نماید که شرایط کارگران را می پذیرد و در پی آن تحصن خاتمه یافت و کارگران و همسرانشان به منازل خود بازگشتند.

فردای آن روز کارگران دریافتند که مدیریت از انجام وعده خود دستبراز می زند. با اینکه کارگران در روزهای بعد به دفعات به مسئولین کارخانه مراجعه و با آنها به مذاکره پرداختند اما نتوانستند مدیریت را وادار به پذیرش خواسته خود مبنی بر لغو دستور اخراج نمایند. در پی آن، حرکت اعتراضی کارگران به اشکال مختلف ادامه یافت و از جمله سند و قی ایجاد شد برای کمک به کارگران اخراجی. این اقدام مورد استقبال

شدید کارگران این کارخانه و اقم شده و همه آنها بدون استثنا مبلغی از درآمد ناچیز خود را به این صندوق اختصاص دادند تا نیازهای روزمره رفقای خود را تامین نمایند.

بدون شرح

در تبریز یک کودک خردسال بنام علی آملی بر اثر بیماری درگذشت. علت بیماری را پزشکان سو تغذیه تشخیص دادند. او عضویک خانواده ۸ نفره بود. سرپرست خانواده بیکار بود. سازمان بهزیستی بخاطر مخارج ماهانه این خانواده فقط ۷۵۰ تومان به آنان پرداخت می کرد. ۷۵۰ تومان برای یک خانواده ۸ نفره! با این مبلغ حتی نان خشک و خالی هم تامین نمی شد. همه زرد و نحیف شده بودند، کودکان یک به یک بیمار شدند. علی بالاخره آنقدر گرسنگی کشید تا مرد. حتی نان خالی را از او دریغ کرده بودند.

انجمن اسلامی در مدارس

از آنجا که عضویت در انجمن اسلامی مدارس باعث تسهیل ورود در دانشگاه می شود، در سالهای گذشته برخی از دانش آموزان به عضویت در انجمن های اسلامی تن می دادند تا بتوانند ازسند تفنیش عقاید بگذرند. اما با تشدید نفرت عمومی از این گونه انجمن ها، حتی کسانی که می خواهند به هر قیمت وارد دانشگاه شوند کمتر حاضر می شوند. عضویت این انجمن را بپذیرند. گزارشات واصله از غالب دبیرستانها حاکی از نزول تنسند تعداد اعضا، انجمن اسلامی است. مسئولین دبیرستان ارشاد (واقع در تهران) وقتی مسئولین انجمن مشاهده کردند در سال جاری هیچ داوطلبی برای عضویت به آنها مراجعه نکرد، خود به سراغ دانش آموزان رفتند. آنها ساعات درس و اردو کلاسها شده و پس از نطق سرایسی از دانش آموزان خواستند برای عضویت در انجمن " داو طلب " شوند. اما علیرغم این تشبیهات حتی یک دانش آموز هم به تعداد قبلی انجمن اسلامی افزود. دانش آموزان دبیرستان ارشاد عطای قبولی در کنکور را به لغای عضویت در انجمن اسلامی بخشیدند.

بازار کساد امام جمعه

در آشتیان نیز مانند دیگر نقاط کشور، بازار نماز جمعه کساد شده است. همه تبلیغات و تهدیدات برای کشاندن مردم به این مراسم راه بجایی نبرده است. در مرداد ماه جهت " توجیه " مردم برای شرکت در نماز جمعه، امام جمعه شهر طی اطلاعی ای از تمام کارمندان آشتیان خواست تا برای شرکت در جلسه ای در منزل و حاضر شوند. اما در روز موعود تنها عده انگشت شماری

بر در منزل او حاضر شده بودند. امام جمعه با گمان اینکه پس از مدت تهاد راین روز جلسه پررو نقی خواهد داشت، خود را آماده خطابه کرده بود، با دیدن این وضعیت با عصبانیت جلسه را تعطیل اعلام کرد و به حضار رخصت رجعت داد!

مجازات شکایت

" ناهار خوران " منطقه ای جنگلی است که در نزدیکی شهر گرگان قرار دارد. مردم گرگان با وجود اذیت و آزار سپاه و کمیته، مثل سابق در روزهای تعطیل در این محل به گردش می پردازند. کودکان در میان درختان و علف ها، بازی و جست و خیز می کنند. چندی پیش، دختر بچه ۹ ساله ای که در حین بازی در نهار خوران، روسری کمی جا به جا شده بود، با عتاب و پرخاش پاسدارانی مواجه گردید که در آنجا پرسه می زدند. پاسداران به خاطر بی توجهی دخترک به " شتون اسلامی " او را مورد اهانت قرار دادند. پدر این کودک که یکی از معلمین شهر گرگان است، به حمایت از فرزند خود به آبان اعتراض کرد. اما پاسدارها با وقاحت این معلم رحمکنش را نیز مورد هتاک قرار دادند. این شخص برای دادخواهی و اعتراض به این اهانت و آزار بی بند و بار، به حاکم شرع گرگان مراجعه و شکایت نمود. فتوی حاکم شرع با سرعت صادر شد. این معلم بخاطر این جسارت و مقاومت در برابر مامورین و ۰۰۰ به ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد!

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در دهلی و رفیق بابک

تامین کردند

AKSARIYAT

NO 32

MONDAY NOV 12, 84

Address

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آدرس

آلمان فدرال

P.O. BOX 101

LONDON N17 6YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 88156

LOS ANGELES, CA 90068
USA

ایالات متحده

C.P. 3125

00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018

NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!